


# مقاله نوشتن: مبانی اجزا و ساختار

محمد شلیله 



# مقاله نوشتن:

## مبانی اجزا و ساختار

محمد شلیله

### شناختنامه

موضوع این مقاله تشریح مبانی، اجزا و ساختار انواع نوشتار است که نتایج هر گونه تحقیق، مطالعه و بررسی که در کار پاسخ پرسشی، وضع یک نظریه یا طرح یک اندیشه یا ایده<sup>۳</sup> نو، و یا حتی انتخاب گزینه مناسبتر از میان چند گزینه محتمل باشد را در قالب «مقاله» عرضه کند، و از طریق نشریات ادواری علمی، پژوهشی، حرفه‌ای و مانند آن، یا به عنوان فصلی از یک کتاب انتشار یابد. یا آنکه به سفارش کارفرمایی یا به عنوان جزئی از برنامه تحصیلی و تکلیف درسی دانشجویی (مانند پایان نامه) انجام گیرد و در نسخه‌های محدود تکثیر و توزیع گردد. بدین ترتیب مقاله حاضر حتی انواع گزارش تحقیق و بررسی از جمله گزارشهای مالی و مدیریت، گزارشهای اقتصادی و مانند آن که حسابداران، حسابرسان و متخصصان رشته‌های وابسته به سفارش کارفرمایان، مشتریان و مدیرانشان فراهم می‌آورند را نیز دربر می‌گیرد. به این دلیل که هم در انجام پژوهشهای مربوط و هم در تهیه و تنظیم گزارش نتایج حاصل، از شیوه‌های کم و بیش یکسانی استفاده می‌شود. اما آن دسته از گزارشها که به موجب الزامات مقررات قانونی یا استانداردهای کار حرفه‌ای، شکل و قالب خاصی برای تهیه و تنظیم و عرضه آنها مقرر گردیده است، و به وسیله حسابداران و حسابرسان تهیه می‌شود، از شمول بررسی این مقاله خارج است، مانند: گزارش حسابرسی صورتهای مالی یا حسابرسی مالیاتی و مانند اینها.

در این مقاله نخست ویژگیهای «مقاله پژوهشی» در چارچوب مفاهیم پیشگفته و کارکردهای آن مورد بحث قرار می‌گیرد. پس از آن اجزا و ساختار کلی این گونه مقاله بررسی می‌شود. محدوده بررسی قسمت اخیر، مرحله‌ای از تدوین مقاله را دربر می‌گیرد که با انتخاب «عنوان» آغاز و به «نتیجه‌گیری» می‌انجامد. اما مسائلی

مانند نحوه تنظیم پی نوشت، نمایه، فهرست منابع یا کتابنامه و مانند اینها در این مقاله مدنظر قرار ندارد. در این مرحله از تدوین یک مقاله، فرض بر این است که عملیات اجرایی پژوهش انجام و پایان گرفته است، یادداشتها، مستندات، شواهد و اطلاعات مورد نیاز و پشتیبانی کننده نظریه مضمون مقاله بر اساس طرح ساختار یافته پژوهش گرد آمده است تا در این مرحله به صورت «مقاله» ای در خور عرضه به مخاطبان تعریف و پیش بینی شده درآید. یک هدف ما از بررسی این مرحله از تدوین مقاله، عرضه پیشنهاداتی است در مورد نحوه برقرار کردن ارتباط شفاف، رسا و موثر با مخاطب، از نظر شیوه پردازش و پیوند یافته‌های تحقیق و شکل عرضه آن. در این راستا، این بررسی به لحن<sup>۴</sup> مقاله هم به اختصار می‌پردازد، اما به شیوه ادبی نگارش مقاله، یا نقطه گذاری (سجاوندی) و مانند آن، نه. همچنین نحوه قراردادن تصویر، عکس و نمودار در این مقاله مورد بررسی قرار نمی‌گیرد. اگرچه این ویژگیها نیز هر یک اهمیت چشمگیری در برقراری ارتباط موثر با خواننده دارد. هدف دیگر بررسی این مرحله، ارائه راهکارهایی است درباره نحوه تدوین هر یک از اجزای «مقاله» دربرگیرنده «عنوان»، «چکیده»، «مقدمه»، «متن» (پیکره اصلی مقاله)، «خلاصه» و «نتیجه‌گیری» و نحوه پیوند این اجزا با یکدیگر از نظر تکنیکی؛ تکنیک به این مفهوم که چه تمهیداتی لازم است تا نگارش یک ایده سامان گیرد (صلحجو، علی، ۱۳۶۸).

اگرچه هر یک از سرفصلهای این مقاله می‌تواند با تفصیل بیشتر نیز مورد بررسی قرار گیرد، اما در اینجا بیشتر به طرح رئوس کلی مطالب مربوط اکتفا شده است. با این حال مقاله حاضر در چهار قسمت عرضه می‌شود. موضوعهای مورد بررسی مقاله در این شماره عبارتند از: بحثی پیرامون تعریف ناپذیری مقاله، پیشینه تاریخی (مختصر) آن، واقعیت و ویژگیهای عرفی مقاله، اهمیت



## مقاله نوشتن: مبانی اجزا و ساختار

آن اطلاعات گردآوری شده در موضوعهای مشخص با اندیشه‌ها و ایده‌های سرچشمه گرفته از مبناهای نظری و تجربی پیوند داده می‌شود و نتیجه‌گیریها و رهنمودهای حرفه‌ای را پدید می‌آورد. اگرچه کوششهای بسیاری انجام گرفته است تا الگوهای استاندارد برای تهیه مقاله عرضه شود و بسیاری از مراجع دانشگاهی و انتشاراتی معتبر در ایران و جهان، شیوه‌نامه‌هایی به این منظور فراهم آورده‌اند و بسیاری از نویسندگان، موسسات انتشاراتی و مراجع دانشگاهی خود را ملزم به رعایت آن می‌دانند، اما هنوز شمار چشمگیری از نویسندگان پیروی از شیوه‌های عرفی را ترجیح می‌دهند. با این حال اغلب مقاله‌ها به ویژه مقاله‌های تحقیقی از اجزای همسان تشکیل می‌شود (Malta, D.J. 1976)، اگرچه در اشکال گوناگون تدوین و عرضه می‌شود.

### مختصری از پیشینه تاریخی

**بابک احمدی** (درفاند، ۱۳۸۰) بر آن است که ژرفای تاثیر، نقش و کارکرد «مقاله» به زمانهای دور برمی‌گردد. وی می‌گوید: «... رساله‌های یونانی و لاتینی، و آن همه جزوه‌ها و مقاله‌های سده‌های میانه هنوز هم سایه‌ی خود را از سر اندیشه مدرن بر نیچیده‌اند» (فاند ۱۳۸۰: ۹). از نظر احمدی «مقاله» در فرهنگ سده‌های میانه شکل رایج و مقبول بیان عقاید بوده است (همان، پیشین). فاند توضیح می‌دهد که: «در مغرب زمین، با انتشار مقالات **مونتینی** (۹۲-۱۵۳۳)، نویسندگان فرانسوی، در سال ۱۵۸۰ میلادی نوعی جدید از نوشتار ارائه شد. این قالب که در آن سبک و ساخت به اندازه محتوای اثر اهمیت داشت به مراتب بیش از قالبهای تنگ کلاسیک به نویسندگان آزادی عمل می‌داد. با توجه به بدیع بودن این گونه نوشتار، مونتینی عنوان **essay** را که در زبان فرانسه به معنی سعی و تلاش است برای سلسله مقالاتش به کار برد. این عنوان همچنین برای این سبک نگارش به کار می‌رود (همان، پیشین: ۱۵). وی می‌افزاید: «در زبان انگلیسی، عنوان **essay** را **فرانسیس بیکن** (۱۶۲۶-۱۵۶۱) یک دهه پس از مونتینی به کار برد و بعدها با آثار مقاله‌نویسان بریتانیایی و امریکایی، این نوع نوشته به مرور به مرحله‌ای بسیار فراتر از تجربه‌های نخستین پیشگامان رسید. در قرن نوزدهم مقاله‌هایی منتشر شد که برخی از آنها در ریف آثار کلاسیک جا گرفته‌اند. در قرن بیستم، مقاله حالت بیانی کمتر رسمی و بیشتر شخصی به خود گرفت و شکلی شد برای بازگو کردن تاملات و بحث در چند و چون یک موضوع از چشم و قلم نویسنده (همان، پیشین). فاند عقیده دارد که «امروز در ادبیات و زبان انگلیسی **essay** از جدی‌ترین

توجه به مخاطب، و در پایان، عرضه طرح مقدماتی تنظیم مقاله.

### تعریف ناپذیری

تعریفی شناساننده و روشنگر از مقاله در دست نیست. در زبان فارسی حتی همان تفکیک و تمایز عرفی ناروشنی هم که در زبان انگلیسی در مورد انواع مقاله مطرح است وجود ندارد. مگر آنکه به سختی بتوان تمایزی ظاهری را بین آنچه «رساله» نامیده می‌شود با «مقاله» در برخی منابع استخراج کرد. در ادبیات زبان انگلیسی چهار صورت «مقاله» مطرح است که عبارتند از: **paper, essay, article, research report** که جملگی در زبان فارسی، اغلب، «مقاله» خوانده می‌شود. البته در اغلب فرهنگهای انگلیسی-فارسی علاوه بر «مقاله»، «رساله» و برخی «جستار» را هم در برابر **essay** قرار داده‌اند. اما معمولاً **essay** از **article** در زبان فارسی تفکیک نمی‌شود. در این مورد **فاند** (۱۳۸۰) معتقد است که شاید بتوان در برابر **essay** از معادل «مقاله شخصی» استفاده کرد. منظور وی از مقاله شخصی مقاله‌های عادی در مجله‌هاست که به آموزش می‌پردازد و با جانبداری و جهتگیری همراه است. او پرداخت سرگرم‌کننده، برخوردار از فراز و فرود، دوری از استدلالهای انتزاعی، استفاده از مثال و روایت و به کارگیری زبان ادبی پر نقش و نگار اما بی تکلف را... (فاند، محمد ۱۳۸۰: ۱۵) از ویژگیهای **essay** می‌داند. وی همچنین معتقد است «مشخصه‌ای که **essay** را از دیگر انواع نوشته متمایز می‌کند گستردگی چشم‌انداز بحث و ارائه نظرات مختلف و حتی متضاد اما با سبک و روحی و پرهیز از دست زدن به قضاوت نهایی است» (همان، پیشین). برخی نیز «مقاله (علمی)» یا «گزارش (علمی)» را در برابر **paper** پیشنهاد کرده‌اند. در زبان انگلیسی در حالی که به طور معمول **essay** نوشتاری تحلیلی-توصیفی را در نظر می‌آورد، **paper** در اغلب موارد به گزارش تحقیق دانشجویی و در همان حال به حاصل تحقیق علمی اطلاق می‌شود و **article** اغلب معرف مقاله‌هایی است که در مجلات غیر تخصصی و روزنامه‌ها به چاپ می‌رسد. اگرچه اینگونه تفکیک کردن‌ها هیچگونه تمایز محتوایی را آشکار نمی‌سازد.

با اینکه در اغلب موارد «مقاله‌نویسی» مهارتی دانشگاهی ارزیابی می‌شود، بسیاری از اقدامات دولتها و برنامه‌ریزیهای بازرگانی و فعالیتهای حرفه‌ای نیز بر تحقیق متکی است. **گیبالدی** (Gibaldi, J. 2003) می‌گوید، به سختی می‌توان حرفه‌ای را در نظر آورد که فعالیتهايش به ویژه در زمینه مشاوره‌های تخصصی بدون انجام کار پژوهشی امکانپذیر باشد؛ فعالیتی که طی



## مقاله نوشتن: مبانی اجزا و ساختار

و تجربه نویسنده باشد (Hashimoto, et al., 1982). از همین روست که گفته اند، هر مقاله ای میزان و عمق فهم نویسنده از موضوع را نیز آشکار می سازد؛ بر همین منوال ارزشهای فردی و میزان بصیرت نویسنده را (Dees, R. 2000). به این دلیل که نویسنده نقش موثر و فعالی در شکل دادن و ارزیابی اطلاعاتی که به آنها دست یافته دارد و هموست که این اطلاعات را تجزیه و تحلیل و تفسیر می کند و قضاوت خویش را در مورد آنها استخراج و عرضه می کند (2000 Crews, 1997). **فردریک کروز** (Ballenger, B.1998a; Dees, Fredrick) در توصیفی که در گذشته از مقاله ارائه کرده است بر دو ویژگی دیگر مقاله تاکید کرده است، بر انگیزاننده بودن و منصفانه بودن<sup>۸</sup>. برخی مقاله را گزارش چگونگی آزمون و نتیجه گیری در مورد یک نظریه، ایده و اندیشه دانسته اند (Gibaldi, 2003). یا گزارش چگونگی آزمودن حقیقت چیزها (قائد، ۱۳۸۰). چنانکه در فرانسوی کهن نیز *essai* به معنای آزمودن و تجربه کردن و گاه پژوهیدن بوده است (همان، پیشین). توصیفهای دیگری از مقاله عرضه شده است؛ مانند اینکه مقاله گزارش نتیجه بررسی و مطالعه در مورد مشکلی است که هنوز توضیح داده نشده است (Maltha, 1976: Gibaldi, 2003). به عقیده **مالتا** (۱۹۷۶) ساختار هر مقاله (یا گزارش هر گونه بررسی و تحقیقی) دربرگیرنده تعریف مسئله یا مشکل و پاسخ آن است. **هشیموتو و دیگران** (۱۹۸۲) گفته اند، مقاله گزارشی است مستند از نتیجه اندیشه انتقادی درباره موضوعی که قبلاً به وسیله دیگران بررسی شده است. در این مورد نویسنده ممکن است دیدگاه و اعتقاد خویش را بیان کند، یا تنها به زیر و بالا کردن نظرات دیگران بپردازد (قائد، ۱۳۸۰: ۱۵). **حری** (۱۳۷۱) مقاله را حاصل جستجوی دقیق و سازمان یافته در یک یا چند موضوع مشخص و محدود توصیف کرده است که در چارچوبی منضبط و مطلوب ارائه می شود و کاری است مستقل و متفاوت با کارهای پیشین (حری، عباس ۱۳۷۱). احمدی (۱۳۸۰) مقاله را گزارشی تاویلی که بر پژوهش استوار است، تعریف کرده است. اما آنچه انواع مقاله را در واقعیت از هم متمایز می سازد به شیوه های متفاوتی بستگی دارد که نظریه یا ایده مضمون مقاله از طریق آن ارزیابی می شود. برای مثال ممکن است اثبات درستی، اعتبار و روایی یک نظریه یا ایده نواز طریق ارائه مجموعه ای اطلاعات، امکانپذیر گردد. در این صورت کالبد چنین مقاله ای مجموعه ای سازمان یافته از اطلاعات را تشکیل می دهد (Hashimoto, et al., 1982). در حالی که در بسیاری موارد اثبات یک نظریه محتاج پژوهشی ژرف و گسترده دامنه است. حاصل این گونه پژوهشها مقاله تحقیقی خوانده می شود و از مقاله هایی که تنها عرضه کننده مجموعه ای از اطلاعات است تفکیک

رشته های نویسندگی است و مقاله، چه به عنوان نوشته ای برای مطبوعات و چه در کتاب، هم اعتبار و هم خوانندگان بسیار دارد (همان، پیشین).

بررسی مختصر پیشینه مقاله نویسی در ایران آشکار می سازد که در ادبیات پس از مشروطه «مقاله» با نام «گفتار» شناخته می شده است که امروز برخی آن را «جستار» می نامند (همان، پیشین). قائد خاطر نشان می سازد که اوایل رشد روزنامه نگاری در ایران، کلمات «لا یحه» و «مکتوب» نیز برای مقاله به کار می رفته است (همان، پیشین). به نظر وی: «در ادبیات قدیم ایران، مقاله یار ساله به نوشتاری گفته می شد حاوی تکرار پاره ای نظرات متقدمان، اظهار نظرهایی از جانب نویسنده به عنوان تأیید یا برآیند آن آرا» (همان، پیشین). قائد «رساله» را در معنای عرفی آن، نوشته ای توصیف می کند که از روی تکلیف فراهم می شود، مانند رساله پایان نامه دانشگاه. از نظر قائد «در ایران امروز، کلمه مقاله به معنی ساده ترین و عام ترین نوع نوشته است؛ هر چه در یک کادر روزنامه یادر چند صفحه مجله بگنجد مقاله است، با هر سبک و سیاق و لحنی که باشد» (همان، پیشین: ۱۳). به نظر می رسد قائد در این مورد بیشتر به مقاله در مفهوم روزنامه نگارانه آن نظر دارد. به نظر نگارنده در زمان حاضر در ایران «مقاله» معنا و مصداقی گسترده یافته است و اغلب گونه های نوشتار را از جمله و به ویژه آن گونه هایی را که نتایج انواع تحقیق، مطالعه و بررسی را که در کار پاسخ پرسشی، وضع یک نظریه یا طرح یک اندیشه یا ایده نو و یا انتخاب گزینه مناسبتر از میان چند گزینه باشد را، به شرحی که در مقدمه آوردیم، در بر می گیرد، حتی اگر نه به نام و یا با عنوان مقاله.

### ویژگیهای مقاله در عرف و در واقعیت

پیدایش هر اثر، از جمله پیدایش هر مقاله پیامد نطفه بستن یک اندیشه به عنوان یک پدیده ذهنی است که نویسنده در روند تالیف و تنظیم به آن عنایت می بخشد (صلحجو، ۱۳۶۸). یک دستور عمل درسی دانشگاهی (۱۹۹۹) مقاله را نوشته ای توصیف کرده است که به وسیله آن نظریه یا ایده نویی به استاد شواهد، و بر پایه استدلالهایی که درستی و اعتبار آن را تأیید یا تقویت می کند، در راستای متقاعد کردن خوانندگانش عرضه می شود و مدعی آن است که به درک نظریه ها و یافته های دیگران در زمینه موضوع مورد بررسی و بحث نائل آمده و سنجش (سبک و سنگین کردن) و ارزیابی پژوهشهای آنان را از عهده برآمده است<sup>۷</sup>. موضوع مقاله مبتنی بر موضوع بررسی یا تحقیق باید روشن، مستقیم، معنی دار و در حیطه تخصص، دانش



## مقاله نوشتن: مبانی اجزا و ساختار

کرد. البته عناصر ذهنی شخص پژوهشگر به هر حال از طریق فرضیه تحقیق به درون تحقیق راه می یابد.

● باید مستند (مبتنی بر سند)<sup>۱۹</sup> باشد، به این مفهوم که تمامی اطلاعات مورد نیاز را برای کسی که بخواهد همان تحقیق را تکرار کند داشته باشد.

● باید تنها ضروریات را دربرگیرد. شاید این نکته با نکته قبلی تا اندازه ای مغایر به نظر برسد. در این موقعیت نویسنده مقاله (پژوهشگر) باید به ایجاد تناسب و انتخاب بین جامعیت<sup>۲۰</sup> و ضرورت<sup>۲۱</sup> دست بزند.

● باید ساخت منطقی داشته باشد (در بخشهای بعدی مقاله به این موضوع پرداخته ایم).

● باید استانداردهای لازم در مورد طرح تحقیق، نظم و ترتیب مطالب، نحوه عرضه نمودارها و جدولها و مانند آن را رعایت کند.

### مخاطب

هر اثری از جمله مقاله به اعتبار مخاطبانش پدید می آید. هدف هر مقاله ای انتقال یک مجموعه اطلاعات (در مفهوم عام) به خواننده است که دربرگیرنده حقایقی است که در جریان بررسی و پژوهش از طریق مشاهدات بررسی کننده و پژوهشگر یا از طریق منابع مورد استفاده وی فراهم آمده است. (Hashimoto, et al., 1982) از طرفی دیگر، هدف هر مقاله متقاعد کردن مخاطبان مقاله نسبت به دیدگاههای نویسنده در مورد موضوع مورد بحث مقاله است (Dees, 2000; Norman, C. 1987)؛ همچنین افزایش آگاهی عموم علاقه مندان به موضوع مورد بررسی (حری، ۱۳۷۱) در مقایسه با گذشته. از این رو در تنظیم مقاله مخاطب یا مخاطبان آن باید به نحو جدی مورد توجه، مورد شناسایی و دقت قرار گیرد. نویسنده در زمان تنظیم مقاله باید به این پرسشها پاسخ دهد که آیا مقاله برای آشنایی کسانی است که در مرحله نخستین آشنایی با موضوع مقاله اند یا برای تبادل نظر با کسانی است که آشنایی تخصصی با موضوع دارند. از هر سو که بنگریم نویسنده نیازمند شناخت مخاطب است. منتها شناخت مخاطب معنای عمیقی دارد (همان، پیشین). از نظر صلحجو "شناخت مخاطب یعنی شناخت نیازهای او، شناخت ابزار ارتباطی لازم برای او و شناخت میزان حوصله و بردباری او در مطالعه" (صلحجو، ۱۳۶۸، ۱۶). از جمله محدودیت زمان مخاطب که در دوران کنونی اغلب مردم با آن رویارویند. نویسنده باید بداند برای چه کسانی، در چه سنی و با چه معلومات و نیازهایی

می شود. دیگران برخی ویژگیهای عام مقاله را واجد اهمیت خاص دانسته اند، مانند وسیله ای برای رساندن پیام (حری، ۱۳۷۱). برخی اندیشمندان رهنمودهایی درباره مقاله نویسی عرضه کرده اند که گرچه عرفهای به نسبت ثابت و پایدار مقاله نیستند، اما از جنبه فلسفه مقاله نویسی به ویژه توجه به حقوق مخاطب از اهمیت بسیار برخوردار است. در همین زمینه از قول رساله<sup>۲۲</sup> نویس بزرگ، **میشل دو مونتینی** نقل کرده اند که: "رساله حرف نهایی رانمی زند و از داوری اقتدار گرایانه دوری می کند" (فاند، ۱۰). به بیان دیگر نویسنده مقاله نمی تواند مدعی باشد که در زمینه موضوع مقاله اش حرفی جاودانه و تردیدناپذیر می زند. دستور عمل درسی یادشده در بالا نیز خاطر نشان ساخته است که بخش عمده هدف یک مقاله طرح پرسشها و موضوعهای جدید نیز هست. احمدی می گوید: "رساله های خوب (آنها که عمری با ما می مانند) پر گو نیستند و به پیروی از یک تدبیر یا دستور دیرپای ادبی شکل گرفته اند: خلاصه کن! کو تاه بگو! (همان، پیشین). تاکید بر این است که اگر چه مقاله باید موضوعش را به روشنی و به صورتی قانع کننده توضیح دهد، با این حال تا حد امکان باید به اختصار و فشرده عرضه گردد (Maltha, 1976). بالاخره گیبالدی (۲۰۰۳) در مفهومی نمادین مقاله نویسی را ماجراجویی روشنفکرانه که به کشف رازی می انجامد، توصیف کرده است.

موافق عرفهای رایج مقاله نویسی، چهار شیوه مقاله نویسی دربرگیرنده شیوه «توصیفی»<sup>۲۳</sup>، «روایتگرانه»<sup>۲۴</sup>، «شرح دهنده»<sup>۲۵</sup> و «استدلالی»<sup>۲۶</sup> (Norman, C. 1987) به طور نسبی از هم باز شناخته شده اند. به بیان دقیقتر، در تدوین هر مقاله ممکن است یکی از وجوه بر شمرده بالا وجه غالب باشد، چرا که در ساختار اغلب مقاله ها این چهار شیوه به هم آمیخته اند. برای مثال در مقاله ای که موضوعش عرضه نظریه یا ایده ای نواست، به قاعده وجه استدلالی ساخت مقاله بر سایر وجوه غلبه دارد، در حالی که در مقاله ای که موضوع آن توضیح یک فرایند یا مکانیسم و برتری آن بر دیگر گزینه هاست وجه توصیفی آن برتری خواهد داشت.

مالتا (۱۹۷۶) جمع بندی سازمان یافته ای از ملاحظاتی که در تنظیم مقاله (گزارش هر گونه تحقیق و بررسی) باید رعایت شود ارائه کرده است. بنابه نظر او هر مقاله ای:

● باید حقیقت (واقعیت)<sup>۲۷</sup> را بگوید. نباید القا کننده و جانبدارانه<sup>۲۸</sup> باشد.

● باید عینی، واقعی و دارای وجود خارجی<sup>۲۹</sup> باشد. باید از ورود عناصر ذهنی، احساسات، حدس، شمع، پندارهای شهودی<sup>۳۰</sup> و بی دلیل<sup>۳۱</sup> که از میل و غریزه سرچشمه می گیرد، در مقاله پیشگیری



## مقاله نوشتن: مبانی اجزا و ساختار

برخی معتقدند که طرح مقدماتی مقاله را باید پیش از شروع به جمع آوری اطلاعات مورد نیاز مقاله تهیه کرد. اگر چه انجام این کار در همه موارد عملی نیست، از جمله در مورد مقالاتی که قرار است حاصل تحقیقی کتابخانه‌ای را عرضه کند، مگر اینکه خواندن منابع مورد بررسی تا اندازه‌ای پیش‌رفته باشد (Hashimoto, et al., 1982). در این رویکرد، مقاله به عنوان فرآورده نهایی مطالعه و تحقیق، جزئی از طرح کلی تحقیق در نظر گرفته می‌شود. ضمن اینکه طرح مقدماتی مقاله به طور اصولی با طرح پژوهش و بررسی مربوط پیوند ذاتی دارد. طرح مقدماتی مقاله از این جهت اهمیت دارد که حدود و ثغور کار را مشخص می‌کند، و گرنه "... دامنه هر موضوع می‌تواند تا بینهایت ادامه پیدا کند. چنین طرحی نویسنده را به مطالب لازم راهنمایی می‌کند و از افتادن در دام انبوهی از مطالب نالازم پیشگیری می‌کند" (صلحجو، ۱۳۶۸: ۲۱-۲۰). طرح مقدماتی مقاله از جنبه محتوایی، از یک سو طرح سازماندهی اطلاعات (در مفهوم کلی آن) و یا به بیان دیگر طرح سازماندهی محتوای مقاله دربرگیرنده ایده‌ها، حقایق و داده‌هاست (et al., 1982 Hashimoto)، و از سویی دیگر ساختار یا طبقه‌بندی موضوعی به نسبت رایج (استاندارد) مقاله، از جمله «عنوان»، «چکیده»، «مقدمه»، «روش‌شناسی»، «نتایج (یافته‌ها، مقادیر، و آمار)»، «بحث و بررسی» و «نتیجه‌گیری» را دربر می‌گیرد (همان، پیشین). در چارچوب طرح مقدماتی باید ساخت مقاله را به نحوی سامان داد که مدیریت آن (اجرای آن) شدنی باشد، نه چندان مقاله را به اجزای متعدد تقسیم کرد که ایجاد و پیوند آنها با سایر اجزا و با هم دشوار و پیچیده و یا ناممکن گردد و نه چندان ساخت مقاله را ساده و بسیط در نظر گرفت که همه چیز در هم فرو رود و تشخیص و تفکیک اجزای مقاله از یکدیگر ناممکن گردد. گفته شد که طرح مقدماتی مقاله می‌تواند براساس طرح تحقیق تنظیم گردد. در واقعیت نیز طرح مقدماتی مقاله مشابهت زیادی با طرح تحقیق دارد همچنانکه در هر مقاله یا گزارش هر گونه تحقیق یا بررسی نیز، پرسش یا فرضیه‌ای که موضوع تحقیق بوده تشریح می‌شود، روش تحقیق توضیح داده می‌شود و مشاهدات و یافته‌هایی که به قصد دستیابی به حقیقت در جریان تحقیق به دست آمده است، عرضه می‌شود، یافته‌ها تجزیه و تحلیل می‌شود و سرانجام قضاوت نهایی انجام و ارائه می‌گردد (Dees, 2000).

اینکه مقاله از چه اجزا یا سرفصلهایی تشکیل گردد، در طرح

می‌نویسد. براین اساس مقاله را باید طوری نوشت که جای سؤال برای خواننده متعارف باقی نگذارد. به ویژه عدم حضور مخاطب در ارتباط نوشتاری نویسنده را و ادار می‌سازد که پیام خود را هر چه دقیق‌تر و بی‌ابهام‌تر ارسال کند (همان، پیشین). قائل خاطر نشان ساخته است که پرهیز از خشکی و عرضه مقاله به شکلی که برای خواننده عام (در زمینه موضوع مورد بحث) نیز قابل درک باشد، به رغم جدی بودن موضوع مقاله‌ها و طرح نکات علمی و فنی در آنها، از خصوصیات مقاله است (قائد، ۱۳۸۰). لحن مقاله نیز باید به همان صورت که در زبان گفتار مورد توجه قرار می‌گیرد با مخاطب و موقعیت آن تناسب داشته باشد. تصمیمگیری در این مورد نیز نیازمند آن است که مخاطب مقاله شناخته و تعریف شده باشد. از سوی دیگر لحن باید با موضوع مقاله نیز تناسب داشته باشد. اغلب توصیه می‌شود که لحنی متوسط در تنظیم مقاله پیش گرفته شود تا طیف گسترده‌تری از خوانندگان بتوانند از مقاله استفاده کنند، لحنی که در آن هم از کاربرد زبان خیلی خشک و رسمی مانند به کارگرفتن واژگان خاص و آراسته و مهجور یا جملات پیچیده پیشگیری شود، و هم از کاربرد سبک نوشتاری عامیانه به طرز افراطی پرهیز شود. اگر چه زبان نوشتار در مقایسه با زبان گفتار به طور طبیعی به رسمی‌تر بودن و غیر شخصی<sup>۳۳</sup> بودن گرایش دارد.

مخاطب مقاله را به دو طریق می‌توان به موضوع بحث علاقه‌مند یا نزدیک کرد:

**جاذبه اخلاقی**، که از علاقه عمیق و دانش نویسنده در خصوص موضوع مورد بحث و مهارت او در شکافتن موضوع و شناخت مخاطب سرچشمه می‌گیرد، و

**جاذبه منطقی**، که به میزان شواهدی که نویسنده مقاله در اشکال مختلف، از جمله از طریق عرضه آمار و اطلاعات کافی و قانع‌کننده عرضه می‌کند و شرح و تفسیر مستدل آنها و یا عرضه نقل قولهای مربوط از دیگر مولفان، بستگی دارد (Lester, J. D. 1998b).

### طرح مقدماتی

هر نوشته‌ای، صرف‌نظر از موضوع آن، به طرح مقدماتی نیاز دارد (صلحجو، ۱۳۶۸) و باید از برنامه‌ای منسجم و دقیق پیروی کند. باید از آغاز مشخص شود که چه اطلاعاتی ارائه خواهد شد، ترتیب آنها چیست و تا چه اندازه باید وارد جزئیات شد (حری، ۱۳۷۱، ۶۱). البته در اغلب موارد طرح مقدماتی مقاله در جریان پیشرفت کار تغییر خواهد کرد؛ محدودتر یا مفصل‌تر خواهد شد (صلحجو، ۱۳۶۸).



## مقاله نوشتن: مبانی اجزا و ساختار

● چکیده مقاله به یک زبان بین المللی،

● مقدمه، دربرگیرنده:

●● تعریف مسئله و علت و انگیزه تحقیق و پیشینه آن،

●● بررسی ادبیات مربوط به موضوع تحقیق، و

●● طرح گستره (دامنه) بحث.

●● بحث و بررسی شامل:

●● تشریح فرضیه مقدماتی،

●● توصیف مشاهدات و آزمونهای انجام شده،

●● شرح روشی که برای تحقیق به کار رفته است،

●● تفسیر مشاهدات و یافته‌ها،

●● تحلیل و پردازش اطلاعات.

● نتیجه گیری

(Maltha, 1976)

طبقه‌بندیهای برشمرده بالا تا اندازه‌ای عرفی، قراردادی و

پیشنهادی است و چارچوبی قطعی و تردیدناپذیر نیست و همان‌گونه

که در عمل نیز می‌توان مشاهده کرد به طور کلی هر گروه از

نویسندگان از مشی ویژه‌ای پیروی می‌کنند. با این حال یک مقاله

ساختار یافته باید یک «آغاز»، یک «میان» و یک «پایان» داشته باشد

که با موضوع قانونی مقاله در وحدت باشد (Norman, 1987).

هشیمو تو پیشنهاد کرده است که هرگونه استراتژی را که برای

تنظیم مقاله بکار می‌بریم باید شیوه‌ای را پیش گرفت که انعطاف‌پذیر

هم باشد (۱۹۸۲).

در طرح مقدماتی باید طول مقاله و تعداد صفحات آن را نیز

پیش‌بینی کرد (Maltha, 1976).

### کلیات

یک مقاله کامل از سه قسمت «آغازین»<sup>۳۲</sup>، «میانی»<sup>۳۳</sup>، و «پایانی»<sup>۳۴</sup>

تشکیل می‌شود، که ضرورت دارد با یکدیگر و با موضوع قانونی

مقاله پیوند و وحدت داشته باشند و کل یگانه‌ای را پدید آورند. این

کل یگانه، فقط مطالب مرتبط با موضوع قانونی مقاله را دربرمی‌گیرد

و مطالب غیر مرتبط با موضوع قانونی مقاله در آن جایی ندارد.

نخستین وظیفه بخش آغازین هر مقاله طرح کلی نظریه‌ای است

که در مقاله عرضه و بحث و بررسی می‌شود و وظیفه دیگر آن

برانگیختن انگیزه و علاقه خوانندگان به مطالعه آن است. این بخش

دربرگیرنده «عنوان»، «چکیده» و «مقدمه» است. نقش قسمت میانی

بسط و توسعه نظریه مطرح شده در مقاله و عرضه شواهد و

اطلاعات و استدلالهای پشتیبانی‌کننده آن است. و سرانجام

مقدماتی پیش‌بینی می‌شود. هر مقاله ای در ساده شده‌ترین

صورت آن از «عنوان»<sup>۳۳</sup>، «چکیده»<sup>۳۴</sup>، «مقدمه»<sup>۳۵</sup>، «روش»<sup>۳۶</sup>،

«نتیجه»<sup>۳۷</sup>، «بحث»<sup>۳۸</sup> تشکیل می‌شود که «طرح استاندارد»<sup>۳۹</sup> نامیده

می‌شود (Hashimoto, 1982; Ballenger, H. 1998a). منتها

اینگونه سرفصلها یا طبقه‌بندیهای موضوعی الزاماً به این معنی

نیست که عیناً در هر مقاله ای تکرار می‌شود. از جمله در برخی

مقاله‌ها ممکن است جزئی با عنوان «چکیده» در نظر گرفته

نشود و مضمونی تا اندازه‌ای مشابه چکیده اما با عنوان

«خلاصه» در نظر گرفته شود. به پیشنهاد هشیمو تو (۱۹۸۲)

اجزا (سرفصلها)ی تشکیل دهنده یک مقاله به طور کلی به

شرح زیر است:

● مقدمه یا بیانیه مقدمه<sup>۳۰</sup> دربرگیرنده:

●● طرح مقوله‌هایی که مورد بحث قرار می‌گیرد،

●● طرح پرسش اصلی مقاله، و

●● عرضه نقل قولی از دیگر پژوهشگران و صاحب‌نظرانی که در

خصوص موضوع مورد بحث کار کرده‌اند، که می‌تواند بر

استحکام بحث بیفزاید.

● بدنه<sup>۳۱</sup> شامل:

●● طرح کلی (تفصیلی) موضوع،

●● عرضه اطلاعات (به مفهوم عام) دقیق، روشن و مربوط به

موضوع به عنوان شاهد مدعا،

●● تحلیل داده‌ها و تفسیر آنها از جهت:

●● ارتباط آنها با مضمون مقاله، و

●● آشکار ساختن اعتبار آنها.

به طور کلی بدنه اصلی هر نوشته را اطلاعات (در مفهوم عام)

تشکیل می‌دهد (صلحجو، ۱۳۶۸).

● جمع‌بندی مشتمل بر:

●● عرضه تفسیر نهایی، یا

●● عرضه خلاصه دیدگاهها، و

●● شرحی دال بر اینکه چرا موضوع مورد بحث دارای اعتبار است،

به همراه عرضه پیشنهادات نویسنده.

مالتا (۱۹۷۶) پیشنهاد کرده است که طرح مقدماتی مقاله (گزارش

تحقیق) را می‌توان در بسیاری از موارد بر طرح تحقیق استوار کرد. در

این صورت اجزای مقاله به شرح زیر خواهد شد (اغلب اجزای

برشمرده زیر در قسمتهای بعدی این مقاله مورد بحث قرار خواهد

گرفت)

● عنوان مقاله، نام و عنوان نویسنده،

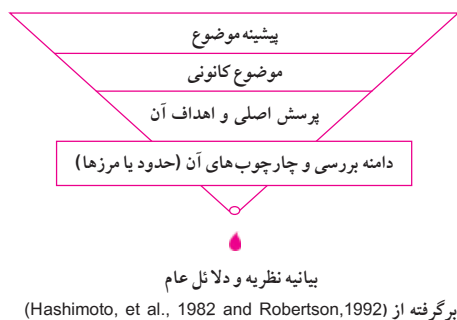




## مقاله نوشتن: مبانی اجزا و ساختار

جوینده از طریق «چکیده» با موضوع کلی بحث و بررسی مقاله آشنا می‌شود، از طریق «مقدمه» که معرفی کاملی از مقاله به دست می‌دهد، به اطلاعات ضروری در مورد موضوع بحث و آگاهیهای مورد نیاز در مورد اخذ تصمیم نهایی برای مطالعه مقاله دست می‌یابد. از این نظر، «مقدمه» می‌تواند تاثیر مثبت یا منفی قاطع و تعیین کننده بر تصمیم خواننده در مورد مطالعه مقاله داشته باشد (Robertson, H., 1992). در واقع مقدمه می‌تواند از طریق معرفی موضوعهای اصلی مقاله، از جمله «بیانیه نظریه»<sup>۳۸</sup> (که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد)، مشخص سازد که در حوزه علائق کدام گروه از خوانندگان قرار می‌گیرد (Dees, R., 2000).

ساختار «مقدمه» و اجزای آن را بر خی به صورت قیفی به شکل زیر نمایش داده‌اند:



برگرفته از (Hashimoto, et al., 1982 and Robertson, 1992)

«پیشینه موضوع» در نمودار بالا بیانگر نتیجه بررسی نویسنده است در زمینه مباحث در جریان و نظریه‌های عرضه شده درباره موضوع مقاله، از طریق مرور منابع و ادبیات مربوط. پیشینه موضوع به طور معمول به صورت توصیفی، روایتگرانه و گزارشی عرضه می‌شود. در طرح «موضوع کانونی» مقاله بر مرکز توجه مقاله، اهمیت، فایده آن، و برانگیزه تحقیق انجام گرفته تاکید می‌شود، و اینکه موضوع مقاله چرا و چگونه مورد توجه قرار گرفته است. موضوع مقاله در مقدمه باید روشن، شفاف و به دقت تعریف شود و در صورت ضرورت می‌توان آن را به صورتها و با عبارتهای گوناگون توضیح داد تا با مطالعه آن ابهامی برای خواننده باقی نماند. در مقدمه باید توضیح داده شود «پرسش اصلی» و «اهداف» آن کدام است و «دامنه بررسی و چارچوب آن (حدومرزه‌های بررسی)» چیست. و سرانجام «بیانیه نظریه» پاسخی است به پرسش اصلی مقاله و فرض بر این است که به طور مشخص و کامل مورد قبول نویسنده مقاله قرار دارد. یا در واقع ایده‌ای است که نویسنده علاقه مند به طرح و اثبات آن است و قرار است اعتبار آن را از طریق عرضه شواهد، تجزیه و تحلیل و استدلال پشتیبانی کند. بیانیه نظریه جزء اصلی هر مقاله «نظری»<sup>۳۹</sup> است (Lester, 1998b) و باید با دلائل پشتیبانی کننده مربوط همراه باشد

نظریه حاکم بر آن، رویکرد و هدف نویسنده به موضوع، به همراه مهمترین یافته‌های تحقیق مورد بررسی (Hashimoto, I.Y., et al., 1982; Ballenger, B., 1998a). چکیده از نظر صورت و محتوا نزدیکی بسیاری با «نتیجه‌گیری» مقاله (که در ادامه این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد) دارد، با این تفاوت که کوتاهتر است و با ذکر هدف نویسنده همراه است. همگان، همیشه مقاله‌شان را با چکیده همراه نمی‌سازند. در بیشتر موارد در کتابهایی که دربرگیرنده مجموعه‌ای از مقالات پژوهشی است، یا در مقالاتی که در نشریات ادواری علمی به چاپ می‌رسد از چکیده استفاده می‌شود. منتها همراه با گسترش فزاینده کاربرد اینترنت، به منظور جستجو و معرفی مقاله‌ها، الگوی تنظیم چکیده، به عنوان مناسبترین معرف مختصر موضوع، محتوا و رویکرد مقالات بیش از پیش مورد استفاده قرار می‌گیرد. به طور معمول در چکیده از عرضه هرگونه رهنمود خودداری می‌شود. شماری از نویسندگان توصیه می‌کنند در چکیده تاکید بیشتری بر عرضه یافته‌های مهمی که دربرگیرنده اطلاعات در مفهوم عام آن است انجام گیرد.

در انتهای چکیده می‌توان فهرستی از واژه‌ها و اصطلاحات کلیدی مقاله ارائه کرد. این واژه‌ها و اصطلاحات دربرگیرنده آنهایی است که در فرهنگهای مفهومی<sup>۳۶</sup> و اصطلاحات مندرج در نمایه‌های<sup>۳۷</sup> منابع مرتبط با موضوع مقاله آمده و شناخته شده است. امتیاز عرضه فهرست اصطلاحات و واژه‌های کلیدی این است که در جستجوی منابع از طریق اینترنت می‌توان از آنها برای دستیابی به مقاله‌ها و منابع مورد جستجو سود جست. از همین رو به چکیده مقالات، برگه و ولادت مقاله نیز گفته‌اند، زیرا به وسیله آن می‌توان دیگران را از انتشار مقاله و موضوع آن آگاه کرد؛ از جمله آن را در معرض توجه پژوهشگران در رشته مربوط قرار داد و در عین حال امکان نقد و داوری گسترده مقاله را فراهم ساخت. در همین راستا توصیه می‌شود «چکیده» مقاله حتماً به زبان انگلیسی نیز تهیه و عرضه شود.

اهمیت یا حساسیت «چکیده» در آن است که ارتباط خواننده با محتوای مقاله در آغاز از این طریق برقرار می‌شود، در نتیجه نقش تعیین کننده‌ای در تصمیم خوانندگان بالقوه به مطالعه مقاله دارد.

### ویژگیها و طرز تنظیم «مقدمه»

در حالی که «چکیده» مشخصات کلی از مقاله به دست می‌دهد، «مقدمه» ساختار و بیکربندی مقاله و موقعیت موضوع مورد بررسی را در ادبیات رشته مربوط توضیح می‌دهد. در حالی که خواننده یا





### کارکردهای متن

«متن پیکره اصلی نوشته تحقیقی است» (حرّی، عباس ۱۳۷۱: ۱۲۱) و باید پاسخ قانع کننده‌ای برای پرسش اصلی تحقیق (مقاله) عرضه کند (Robertson, H., 1992)، نظریه موضوع تحقیق را به روشنی، با وضوح و صراحت توضیح دهد و به باری تحلیل‌های هوشمندانه و عمیق بر روی واقعیتها، نظریه‌های دیگران و شواهد و یافته‌های مربوط و مرتبط با موضوع مورد بررسی، اعتبار نظریه مضمون مقاله را آشکار سازد (Norman, C., 1987). اهمیت این موضوع از آنجاست که هدف اصلی هر مقاله (متن) توضیح و عرضه سازمان یافته نظریه مضمون آن است و بسط و پیشرفت متن مقاله از این طریق امکانپذیر می‌گردد. رسالت متن (مقاله) توضیح صرف عقاید نویسنده نیست، بلکه وظیفه آن عرضه قضاوتی مستدل درباره موضوع تحقیق و نظریه مربوط به آن است به منظور قرار گرفتن در معرض درک و داوری خوانندگان. کارکرد اصلی متن همچنان این نیست که خواننده را متقاعد سازد بیانیه‌ها و گزاره‌هایی که در متن در مورد نظریه مورد بحث مطرح شده است صادق‌اند، بلکه کارکرد مهمتر آن این است که خواننده را متقاعد گرداند بیانیه‌ها و گزاره‌های عرضه شده «مسئله» اند و درخور توجه، اندیشیدن و پژوهش و پیگیری (همان، پیشین).

### پیش‌نیازها و فرایند تنظیم متن

بیش از ورود به مرحله تنظیم متن، باید اطمینان داشت که درک مقتضی و بسنده از مطالب، داده‌ها، اطلاعات و شواهد گردآوری شده به این منظور حاصل است و تصویر (ذهنی)، طرح، نظر و رای روشنی نزد نویسنده در مورد نظریه مضمون مقاله پدید آمده است (همان پیشین)، همچنین حصول اطمینان از اینکه مدعای نویسنده دارای اعتبار، محکم و منطقی است و نویسنده آماده است بحث و بررسی‌های پیش‌بینی شده را در چارچوبی منطقی پیش‌برد و شواهد فراهم آمده نیز از قابلیت و کفایت پشتیبانی از بحث و بررسیها برخوردارند. آگاهی عمیق و دقیق از دیدگاهها و نظریه‌های دیگران درباره موضوع مورد بحث از دیگر پیش‌نیازهای تنظیم متن مقاله است. در این مرحله همچنین ضرورت دارد مروری بر یادداشتهایی که برای تنظیم متن فراهم آمده است انجام گیرد و از کفایت و پیوند و ارتباط منطقی آنها با موضوع مقاله و نظریه و با یکدیگر و از نبود تضاد میان آنها اطمینان حاصل گردد. مناسبتر است که در این مرحله هر گونه کاستی در هر یک از موارد بر شمرده

بالا بر طرف گردد (Dees, R., 2000).

فرایند تنظیم متن (بدنه) سه مرحله تنظیم «پیش‌نویس»، «تنظیم نهایی» و «بازنویسی» (دو مرحله اخیر در بخشهای بعدی این مقاله در شماره‌های آینده مورد بررسی قرار خواهد گرفت) را دربر می‌گیرد. از این میان تهیه پیش‌نویس مهمترین و در عین حال وقتگیرترین مرحله تنظیم متن مقاله است؛ که دربرگیرنده فعالیت‌های خواندن، اندیشیدن، برنامه‌ریزی و سازماندهی مطالب، داده‌ها، اطلاعات و شواهد گردآوری شده و یادداشتهای راستای بحث و بررسی نظریه مقاله است (Norman, 1987) و وظیفه آن بسط سازمان یافته نظریه مضمون مقاله است که هسته اصلی بحث را تشکیل می‌دهد و برقرار کردن پیوند و ارتباط منطقی میان مطالب، داده‌ها، اطلاعات و شواهد گردآوری شده از طریق تجزیه و تحلیل‌های منطقی. درخور ذکر است که تازمانی که نظریه مضمون مقاله به صورت‌بندی منطقی و محکمی، در حدی که خود نویسنده نسبت به استحکام آن متقاعد شده باشد، و تازمانی که شواهد پشتیبانی کننده سازمان نیافته باشد، تنظیم متن نهایی (در مرحله پیش از بازنگری)، امکانپذیر نیست. پیش‌نویس رسیدن به این مرحله از تنظیم متن را هموار می‌سازد (همان، پیشین). مناسبتر است که پیش‌نویس متن (مقاله) را به عنوان نوشته مقدماتی به رای و نظر دیگران واگذاشت تا از کم و کاستیها و امتیازات مقاله پیش از تنظیم نهایی و انتشار آن آگاه شد.

### ساخت و صورت‌بندی اجزای متن

ساخت متن منسجم، مستدل، معنی‌دار و روشنگر بر بنیاد رعایت یک رشته قواعد غالباً تجربی و عرفی شکل می‌گیرد. البته این چگونگی به میزان قابل ملاحظه‌ای از ماهیت موضوع متن نیز تاثیر می‌پذیرد. براین اساس برای تنظیم متنی که وجه غالب آن توصیفی است در مقایسه با متنی که وجه تحلیلی و استدلالی در آن غالب است از قواعد یکسانی استفاده نمی‌شود. اگر متن نیازمند مقایسه و مقابله داده‌ها، اطلاعات و شواهد گردآوری شده است، و در پی توضیح همسانیها و ناهمسانیهاست، در این گونه موارد نخست داده‌ها و اطلاعات و شواهد مربوط باید همجنس و هم‌مقیاس گردند (Hashimoto, et al., 1982). جایی که متن به بررسی روابط علت و معلولی می‌پردازد، علت و معلولهای متعدد مورد بررسی باید به دقت تفکیک گردد و برای هر مقوله علت و معلول، بر حسب ماهیت آنها عنوانی مشخص و منحصر به فرد تعیین نمود. هشیمو تو در این زمینه مثال می‌زند: اگر موضوع بحث



## مقاله نوشتن: مبانی اجزا و ساختار

جدید باید احساس کند که به مرحله دیگری از پیشرفت (بسط موضوع) مقاله رسیده است. "هر بند (پاراگراف) باید توضیح دهد و تحلیل و پشتیبانی کند از ایده‌ی موضوع آن، نه اینکه صرفاً اطلاعات توی هم رفته تحقیق را عرضه کند" (Lester, J. D., 1998). بند (پاراگراف) در این مفهوم "واحد اطلاعاتی است که پیرامون اندیشه خاص، که به آن اندیشه اصلی می‌گویند شکل می‌گیرد و باید مطمئن شد هر بند و هر جمله از آن، با اندیشه اصلی پژوهش مربوط است. بند مطلوب بندی است که خواننده بتواند از طریق ساخت و گستره آن، این اندیشه اصلی را به درستی و روشنی بشناسد. اندیشه اصلی در واقع فشرده تمام مطالب بند (پاراگراف) است. به عبارت دیگر، مطلبی که در چارچوب این اندیشه اصلی جای نداشته باشد، نمی‌تواند متعلق به آن بند (پاراگراف) باشد؛ از سوی دیگر، آنچه به این چارچوب تعلق می‌یابد، نباید ناگفته رها شود" (همان، پیشین: ۵۷-۵۶). به بیان دیگر "در هر بند (پاراگراف) حرف تازه یا ایده خاصی مطرح می‌شود که هویت و یکپارچگی آن با حرفی که در پاراگراف قبل زده می‌شود نمایان است و ذهن به راحتی می‌تواند مرز بین آن را حس کند" (صلحجو، ۱۳۶۸: ۵۴). ضمن اینکه هر بند (پاراگراف) باید با بند بعدی پیوند منطقی داشته باشد، به نحوی که سرانجام آغاز و پایان مقاله به هم برسد (Norman, 1987). هر بند باید به یک موضوع و تنها به یک موضوع - پیردازد" (حری، ۱۳۷۱: ۵۹). بند (پاراگراف) ساختی مشابه متن دارد (Norman, 1987)، ممکن است به مقایسه اجزا و عناصر یک پدیده، به بیان روابط علت و معلولی، یا به توصیف گام به گام یک رویداد و نظایر آن پیردازد. منتها باید نوعی توالی منطقی بین اجزای بند حاکم باشد (حری، ۱۳۷۱). برای حفظ توالی بند (پاراگراف) سه شیوه بکار می‌رود؛ یکی روشی که در آن حرکت اندیشه از عام به خاص است؛ بدین ترتیب که نخست اندیشه اصلی بیان می‌شود، آنگاه بقیه بند (پاراگراف) به مثابه شواهد و مصادیق آن تلقی می‌گردد (روش قیاسی). یا آنکه بند (پاراگراف) با بیان و توصیف اجزا و عناصر آغاز و ادامه می‌یابد تا به اندیشه اصلی برسد (روش استقرایی). ممکن است نوع استدلال ایجاب کند که هر دو روش به صورت یکجا در بندی واحد بکار رود (روش ترکیبی) (همان، پیشین). در واقع بند (پاراگراف) جای عرضه شواهد مورد نیاز استدلالی است که متن را به نتیجه‌ای که در واقع اندیشه اصلی بند است می‌رساند. هر بند باید ساختی یکپارچه و یگانه، اما از نظر موضوعی هم پیوند با کل مقاله داشته باشد (Norman, 1987). باید مراقب طول بند (پاراگراف) بود، بویژه از تکرار مطالب در

شما ناپایداری سیاسی در کشور بولیوی است که در طول ۱۵۵ سال استقلال ۱۸۹ کودتا در آن انجام گرفته است، باید بر مقوله‌هایی که علت این ناپایداری بوده است متمرکز شوید؛ از جمله تاریخ سیاسی بولیوی، ساختار اقتصادی آن، اختلافات قومی در جمعیت این کشور، مناسبات این کشور با سایر کشورها و تعیین درجه اهمیت هر یک از آنها؛ علت (عامل) های موثرتر را باید آشکار ساخت و به روشنی توضیح داد که این گونه عوامل به چه ترتیب، چگونه و از چه راههایی بر اوضاع سیاسی بولیوی تاثیر می‌گذارد" (همان، پیشین: ۳۳-۳۲). طرح موضوعات در متن همچنین محتاج رعایت ترتیب و توالی است که براساس اهمیتی که طرح هر مطلب دارد، شکل می‌گیرد، یا باید با مطالب مهمتر آغاز کرد و به تدریج به مطالب کم اهمیت تر پرداخت، یا ترتیب و تقدم زمانی را ملاک قرار داد که انتخاب هر یک از این شیوه‌ها به ماهیت موضوع مربوط می‌شود" (حری، ۱۳۷۱: ۶۲-۶۱؛ Hashimoto, et al., 1982). متن باید طبقه بندی گردد. برای مثال اگر موضوع آن بحث و بررسی ایدئولوژی سیاسی است می‌توان متن و بحث و بررسیهای مربوط به آن را به قسمتهای مختلف کمونیسیم، سوسیالیسم، توتالیتاریسم، فاشیسم، آنارشیزم و لیبرالیسم طبقه بندی کرد (Hashimoto, et al., 1982). آشکار است امکانپذیر شدن این گونه طبقه بندیها باید در طرح مقدماتی (رجوع کنید به قسمت اول این مقاله: حسابرس: شماره ۳۲، بهار ۱۳۸۵) پیش بینی شده باشد و تنها در این مرحله در صورت ضرورت برخی بازنگریها در آن انجام گیرد.

متن از اجزای متعددی تشکیل می‌شود که برحسب ویژگیهای هر متن، از اندازه آن گرفته تا تنوع موضوعی یا طیف مخاطبان آن تغییر می‌کند. اجزای مهم متن در برگیرنده «سرفصل»، «بند (پاراگراف)» و «جمله» در زیر توضیح داده شده اند:

**سرفصل:** متن برحسب تنوع موضوعی آن به سرفصلهای متعددی تقسیم می‌شود؛ سرفصلهایی که در طرح مقدماتی (مورد بحث قسمت اول مقاله حاضر) در نظر گرفته شده اند. تعیین سرفصلها از نظر تفکیک موضوعهای مورد بحث در مقاله و پیشگیری از آشفتگی متن دارای اهمیت بسیار است. به این خاطر توصیه می‌شود تا زمانی که سرفصلها تعیین نشده اند از اقدام به تنظیم متن خودداری شود (2000 Dees). هر سرفصل تعدادی «بند (پاراگراف)» را در بر می‌گیرد.

**بند (پاراگراف):** بند توضیح یک مفهوم (موضوع) یگانه در متن را برعهده دارد (Norman, 1987; Dees, 2000; صلحجو، علی، ۱۳۶۸) و از تعدادی جمله که هر یک یا هر گروه از آنها به کار بسط یک ایده می‌آید تشکیل می‌شود. خواننده با ورود به بند (پاراگراف)



## مقاله نوشتن: مبانی اجزا و ساختار

می شود و هر مطلبی که ارتباط سیستماتیک و منطقی با نظریه مضمون مقاله ندارد در جهت پیشگیری از فروپاشی متن باید حذف گردد (Robertson, 1992). در انجام این کار باید همواره مراقب ارتباط منطقی اجزای متن و بیانیه نظریه بود، در غیر این صورت خواننده متن را نامنجم خواهد یافت. البته بیانیه نظریه در مقاله های طولانی ممکن است به اجزای متعددی تقسیم شود. در این حالت هر بخش از بیانیه نظریه ممکن است در سرفصل جداگانه ای از مقاله جای گیرد (Hashimoto, et al., 1982). در حالیکه طرح هر ایده (موضوع) بی در بدنه مقاله باید به وسیله شواهدی از واقعیتها، داده ها، اطلاعات و نظریه دیگران در خصوص موضوع مقاله پشتیبانی شود، باید با تجزیه و تحلیل و تفسیر نویسنده (پژوهشگر) پیرامون موضوع اصلی و بیانیه نظریه نیز همراه گردد (Dees, 2000). به بیان دیگر در این قسمت تفسیر نتایج تحقیق و بررسی در پیوند با یافته های دیگران عرضه می گردد. منتها هیچگاه موضوعی را که خود نویسنده در مورد آن قانع نشده نباید مورد بحث قرار داد، در غیر این صورت مقاله مناسبی از کار در نخواهد آمد.

در این قسمت شرح تحقیق دربرگیرنده چگونگی انجام آزمایشها، تجربه ها و جستجوگریها، گردآوری داده ها و بررسی در منابع گوناگون و متدها (روشها)ی که در کار تحقیق بکار گرفته شده نیز عرضه می شود و یافته های تحقیق که اغلب به صورت داده های عددی است ارائه می گردد. به بیان ساده تر در این قسمت توضیح داده می شود چه کارهایی، چرا و چگونه انجام شده است، از کدام منابع استفاده شده است و نتایج حاصل کدام است و به چه ترتیب پاسخ پرسش اصلی تحقیق بدست آمده است (Maltha, D. J., 1976). البته برخی معتقدند که در قسمت بحث و بررسی، «روشهای تحقیق» باید به تفصیل تشریح گردد و توضیح داده شود، در حالی که برخی دیگر عقیده دارند با توضیح روشهای تحقیق در مقدمه دیگر نیازی نیست که در بدنه مقاله و بخش بحث و بررسی به آن پرداخته شود. به هر حال چنانچه محقق و نویسنده در اجرای تحقیق و بررسی خویش به روش جدیدی دست یافته است، توضیح آن باید در حدی باشد که پژوهشگران دیگری که علاقه مند به بهره گیری از آنند، بر بنیاد توضیحات مقاله بتوانند آن را بکار گیرند و با استفاده از روشهای پیشنهادی به همان نتیجه برسند.

در خور ذکر است که هر نام، مفهوم و اصطلاح ناآشنا در متن باید به اندازه کافی توضیح داده شود که خواننده بتواند به آسانی بحث مقاله را دنبال کند.

بند (پاراگراف) های متعدد احتراز کرد. "طول بند (پاراگراف) باید آن قدر باشد که مطلبی واحد به طور جامع و مانع در آن بیان شود" (حری، ۱۳۷۱: ۵۹).

**جمله:** گفته شد هر بند (پاراگراف)ی از تعدادی جمله تشکیل می شود. هر جمله از بند باید پاره ای اطلاعاتی به گستره آن بیفزاید تا اینکه اندیشه اصلی کاملاً تبیین شود (همان، پیشین: ۵۷). هر گاه اندیشه اصلی (در بند) در جمله ای واحد بیان شود آن جمله را «جمله اصلی» می خوانند. این جمله ممکن است در آغاز، میان یا پایان بند بیاید. جمله اصلی را باید تا حد امکان در آغاز بند بیان کرد. در چنین وضعی هم برای نویسنده و هم برای خواننده راهنمایی مفید خواهد بود؛ نویسنده به سهولت خواهد دانست که چه اطلاعاتی باید در آن بند بیاید و چه اطلاعاتی زاید شمرده می شود. خواننده نیز به آسانی در خواهد یافت که موضوع بند درباره چیست. سایر جمله های بند را که به تشریح و بازگشودن اندیشه جمله اصلی می پردازند جملات پشتیبان می خوانند. "گاه اندیشه اصلی در یک جمله بیان نمی شود، بنابراین، بند دارای جمله اصلی نیست، بلکه اندیشه اصلی به طور ضمنی بیان می شود" (همان پیشین: ۵۸). به طور معمول اغلب بند (پاراگراف)ها با جمله ای که موضوع بند را به صراحت و روشنی و استحکام آشکار می سازد، آغاز می شود تا ابهامی در خصوص اصل موضوع بند برای خواننده پدید نیاید؛ یعنی موضوعی که قرار است در آن بند (پاراگراف) بسط داده شود. جمله آخر هر بند نیز در پی بسط موضوع در طول بند، باید جمله آغاز بند را تایید و اعتبار موضوع آن را در ذهن خواننده تقویت کند.

از میان جمله هایی که هر بند و در مجموع مقاله را تشکیل می دهد، جمله یا جمله هایی که بیانیه نظریه (رجوع کنید به بخش دوم این مقاله: حسابرس، شماره ۳۳) به وسیله آنها عرضه می شود دارای اهمیت بسیار است و مهمترین بخش یک مقاله است. دستور عمل درسی دانشگاهی یاد شده در بخشهای پیشین این مقاله تأکید دارد که تازمانی که متن بیانیه نظریه مقاله (متن) تنظیم نشده باشد، مقاله در کلیت آن شکل نمی گیرد. از دیدگاه این دستور عمل این جزء از متن است که نشان می دهد کل مقاله بر چه مبنایی استوار است (Clement, 1999).

### تنظیم متن بحث و بررسی (بدنه) مقاله

در مرحله تنظیم متن بحث و بررسی (بدنه) یادداشت های فراهم آمده در راستای پشتیبانی از بسط و اثبات نظریه مضمون مقاله، به طرز سیستماتیک، منطقی و متقاعد کننده به هم پیوند داده



### طرز نوشتن (نگارش) متن

آغاز به نوشتن کردن یا تنظیم مدخل بحث کاری تا اندازه‌ای پیچیده است؛ همان گونه که در سخن گفتن و هنگامه آغاز سخن بویژه طرح و عرضه «جمله اول»، برخی معتقدند که نخستین جمله هر مقاله می‌تواند تاثیر در خور توجهی بر تصور خواننده از مقاله بگذارد. این کار بویژه در هموار کردن همراهی خواننده‌ی مقاله و جلب توجه او اهمیت دارد. نورمن (Norman, 1987) می‌گوید تنظیم نخستین جمله پیچیده‌ترین کار در مقاله نویسی است و پیشنهاد می‌کند، مقاله را می‌توان با طرح یک واقعه تاریخی برجسته، یک تجربه مرتبط با موضوع مقاله، تعریف یک اصطلاح کلیدی و مانند آن آغاز کرد، یا آنکه با شرح موضوع کلی مقاله آغاز کرد و به تدریج به طرح موضوع اصلی مقاله پرداخت. می‌توان در آغاز مقاله به طرح دیدگاه کسانی که نویسنده با نظریات آنها موافقت ندارد و نتایج بررسی او نادرستی نظریه‌های آنان یا کاستیهای آنها را آشکار کرده است، پرداخت. به هر حال هر روشی را که در این باره برگزینیم، باید با نظریه کانونی مقاله پیوند داشته باشد.

به طور کلی کار نگارش (نوشتن) حتی برای کسانی که در کار نوشتن چیره دستند نیز از دشوارترین کارهای مربوط به پدید آوردن مقاله است. عمل نوشتن البته با تنظیم پیش نویس آغاز می‌شود. در این مرحله باید نوشتن را بدون تعلل و تردید آغاز کرد. باید به خاطر داشت که وظیفه پیش نویس، کشف و افشای برداشتها و یافته‌هاست، به صورت آزاد و به دور از هرگونه محدودیتی. ویراستن متن کاری است که باید در مراحل بعدی از جمله در مرحله بازنگری و بازنویسی انجام گیرد. وظیفه نویسنده در مرحله تنظیم پیش نویس فقط انتقال یادداشتهای، واژه‌ها و کلمات بر روی کاغذ است. نویسنده نباید در این مرحله خود را مهار یا کنترل نماید. می‌تواند هر آنچه را آنگونه که می‌داند و احساس می‌کند بر کاغذ بیاورد. در این مرحله باید گذاشت جریان نوشتن راه خودش را پیدا کند و این جریان را باید با احتیاط هدایت کرد، اما نباید آن را کنترل (مهار) نمود. بنابه تجربه، یادداشتهای و دست‌نویسهای پژوهشگر و نویسنده به صورت خودبخودی امکان بسط و توسعه مقاله را تا رسیدن به سطح جدیدی از دانش ارتقا می‌دهد (Lester, 1998). اگر در این مرحله نویسنده هر لحظه از آنچه در ذهنش (در خصوص موضوع مقاله) می‌گذرد ثبت نکند (تادر اولین فرصت آنها را منظم سازد)، بخش عمده‌ای از بهترین ثمرات فکری خود را از دست خواهد داد (حری، ۱۳۷۱: ۵۴). در این مرحله نویسنده باید ایده‌هایش را در اسرع وقت به محض حصول در ذهن بر کاغذ

بیاورد. باید آن را با هر واژه‌ای بنویسد و متوقف نشود، که واژه دقیقتری به فکرش برسد. می‌توان برای واژه مناسبتر یک جای خالی پیش‌بینی کرد. اشکالات و ابهامات کم‌اهمیت را در این مرحله باید نادیده گرفت؛ حتی برخی اشکالات فاحش را. در این مرحله تنها باید گذاشت ایده کلی شکل بگیرد (Norman, 1987). منتها در همان حال، هرگاه یادداشتی برای بحث بی ارتباط به نظر رسید، لزومی ندارد به صرف اینکه برای گردآوری زحمت کشیده شده است در نوشته جای داد. این گونه یادداشتهای می‌توان به کناری نهاد و اگر در مباحث بعدی نیز کاربردی نداشت، از مجموعه یادداشتهای تحقیق خارج ساخت (حری، ۱۳۷۱). در جریان تنظیم پیش نویس فقط باید به مطالب فکر کرد، نه به دستور زبان (صلحجو، علی، ۱۳۶۸)، تا آنکه در جریان بازنگری و بازنویسی متن و پس از آن در مرحله ویرایش کاستیهای واژگانی و دستوری آن را برطرف ساخت. منتها در هر حال نویسنده باید آنچه را که خود برداشت کرده است، بنویسد و نه آنچه را که فکر می‌کند دیگران خواستار شنیدن آن هستند. به علاوه در همین حال باید مراقب پیوند مطالب در هر بند نیز بود (Lester, 1998) و "... توجه داشت که هر بخش از نوشته با اندیشه اصلی تحقیق مرتبط باشد..." (حری، ۱۳۷۱).

می‌توان پیش نویس مقاله را به صورت یکجا از آغاز تا پایان تنظیم کرد، و کوشید تا نکات عمده با یکدیگر ارتباط سیستماتیک بیابند یا می‌توان از هر جای موضوع مقاله آغاز کرد و آن قسمت را به پایان رسانید و موضوع بعدی را دست گرفت و در پایان هر موضوع را بر حسب طرح تنظیم مقاله در جای خود قرار داد. چنانکه پیش از این نیز اشاره شد به طور معمول یادداشتهای دقیق و مرتبط با موضوع نویسنده، نقش موثری در حفظ تمرکز نویسنده به موضوع ایفا می‌کند (Lester, 1998).

متن (مقاله) تحقیقی باید مبتنی بر واقعیت باشد؛ یعنی به تشریح هر آنچه که در واقعیت روی می‌دهد و مورد بررسی و آزمون قرار گرفته و نتایج حاصل از آن پردازد، شواهد کافی ارائه کند و به تجزیه و تحلیل آنها با یکدیگر پردازد. یک نویسنده واقع (عینیت) گرا در هنگام نوشتن باید از موضوع فاصله بگیرد، و تا حد امکان سعی کند در جریان نوشتن نسبت به واقعیتها و یافته‌ها بی طرف بماند. چنین رویکردی مانع از این نمی‌شود که نویسنده احساسات انسانی و حساسیتها و علاقه و شور و هیجان خود را پنهان نماید اما نباید بروز این احساسات بر تمرکز نویسنده در طرح واقعیتها آسیب برساند. لستر می‌گوید کاملاً عینی گرا بودن، حتی



## مقاله نوشتن: مبانی اجزا و ساختار

می‌افزاید (Ballenger, 1998). بالنجر (۱۹۹۸) توصیه کرده است اگر نتیجه‌گیری مقاله‌ای به این حد از تاثیر نرسید، مناسبتر است مجدداً تنظیم گردد؛ منتها بر پایه همان اطلاعات و شواهد عرضه شده در قسمت‌های قبلی مقاله (همان پیشین)؛ چرا که خواننده باید با مطالعه متن (بدنه) مقاله به کلیه اطلاعاتی که مبنی نتیجه‌گیری قرار می‌گیرد رسیده باشد و از طریق منطق حاکم بر تجزیه و تحلیل همان اطلاعات به درک نتیجه‌گیری نایل شود (حری، ۱۳۷۱). برخی نتیجه‌گیری را گزارشی از یافته‌های مقاله که با تصریح و تاکید مستدل بر نظریه نهایی (Dees, 2000) همراه می‌شود تعریف کرده‌اند. نظریه مقاله در نتیجه‌گیری باید با واژه‌ها و طرز بیان متفاوت (Norman, 1987; Ballenger, 1998) و حسب مورد همراه با اطلاعات و آمار و ارقام ارایه گردد تا چنانچه عرضه آن در متن ابهام داشته، در نتیجه‌گیری ابهام آن برطرف گردد (Hashimoto, 1982)، در غیر این صورت از کارآیی نتیجه‌گیری کاسته خواهد شد. در حالی که بحث مقاله بیشتر با «توضیح» و «توصیف» پیش می‌رود، نتیجه‌گیری حاصل استنتاج منطقی نویسنده از شواهد مربوط به موضوع مورد بررسی است که پیش‌تر در متن مقاله عرضه شده است. به نظر مالتا (۱۹۷۶) استنتاج نویسنده در این زمینه با استنباط شهودی<sup>۴۴</sup> همراه می‌شود؛ خلاقانه و مبتکرانه است؛ از عمق دانش نویسنده بر می‌آید و جلوه‌ای از طبع انسانی پژوهشگر و سرشت علمی اوست (Maltha, 1976). از نظر دیس (۲۰۰۰) نتیجه‌گیری حاصل اندیشیدن دیگر بار نویسنده به متن است که در این کار باید به دو موضوع توجه نماید؛ یکی تاکید و تصریح مجدد بر بیانیه نظریه<sup>۴۵</sup>، بدون این که آن را کلمه به کلمه تکرار نماید؛ دیگر آنکه به نحو کامل توضیح دهد مقاله چه گفته است (Dees, 2000).

مناسب است نتیجه‌گیری با طرح پرسش اصلی و هدف بررسی موضوع، به فشرده‌ترین صورت (در یک عبارت کوتاه) آغاز گردد (Robertson, 1992) و با آخرین جمله یا عبارت نتیجه‌گیری که باید قوی‌ترین بخش آن باشد، نتیجه‌گیری را به مقدمه مقاله برساند. در جهت تاثیرگذاری بیشتر، محتوای این عبارت می‌تواند در قالب یک حکایت، یک نقل قول یا اندیشه‌ای از دیگران که از اصلی‌ترین نکته نتیجه‌گیری مقاله پشتیبانی کند ارایه شود (Ballenger, 1998).

پیشنهادهای پژوهشگر نیز به طور معمول در بخش نتیجه‌گیری عرضه می‌شود. از همین رو بسیاری موارد عنوان

در تنظیم مقاله‌های تحقیقی نیز بعید و غیرمحمتمل است (همان، پیشین). با این حال باید به نحو جدی از ذهنی‌گرایی افراطی در قبول فرضیهایی از قبیل اینکه تحقیق مورد گزارش از هر حیث خدشه‌ناپذیر و تردیدناپذیر است و از اصرار ورزیدن بر نظر خویش، یا طرح مسایل به صورت دوپهلوی جداً احتراز کرد. در این زمینه پیش گرفتن اعتدال و بی‌طرفی می‌تواند هم از ورود هیجان افراطی و هم از دخالت عینیت‌گرایی و سواسی‌پیشگیری نماید (همان، پیشین).

نویسنده باید نسبت به منابعی که از آنها بهره برده است با دقت و احترام برخورد کند. نام نویسندگان و نام منابع را با دقت و به نحو مقتضی ذکر نماید، و در مواردی که مطلبی را عیناً از دیگران برگرفته است، باید نام نویسنده همراه با ذکر شماره صفحه‌ای که نقل قول از آنجا استخراج شده را مشخص نماید (همان، پیشین).

### کارکردها و ویژگیهای نتیجه‌گیری

کارکرد اصلی «نتیجه‌گیری»<sup>۴۳</sup>، عرضه منسجم، مستدل، فشرده، صریح و مستقیم یافته‌های تحقیق موضوع مقاله (Ballenger, B., 1976; Maltha, D. J. 1998) است؛ به نحوی که با مطالعه آن هرگونه تردید و ابهام احتمالی خواننده در مورد درک بحث و بررسیهای مقاله و نظریات نویسنده از میان برداشته شود (Dees, R., 2000). در این قسمت باید بین نکات کانونی مقاله و یافته‌های آن با نظمی منطقی پیوند برقرار گردد (Hashimoto, I. Y., et al., 1982). نتیجه‌گیری باید تفسیر روشنی از نظریه مقاله، مصادیق آن و پاسخ پرسش اصلی به دست دهد (Dees, 2000; Hashimoto, 1982)؛ آشکار سازد که نظریه مقاله معنی دار و دارای اعتبار است (Hashimoto, 1982)؛ درجه تعمیم‌پذیری آن را توضیح دهد (Norman, C., 1987) و سرانجام چشم‌انداز بحث آینده را بگشاید (Dees, 2000). در حالی که خواننده از طریق مقدمه مقاله به محدوده مشخص موضوع بحث هدایت می‌شود، در نتیجه‌گیری باید به چشم‌انداز گسترده‌تری ارجاع داده شود (Dees, 2000; Ballenger, 1998). با این حال در قسمت نتیجه‌گیری نباید بحث جدیدی آغاز شود، یا موضوع دیگری جز آنچه در طول مقاله ارایه شده مطرح گردد، و یا اطلاعات و شواهد جدیدی عرضه شود؛ که در غیر این صورت موجبات گمراهی و سردرگمی خواننده را فراهم خواهد ساخت (حری، عباس، ۱۳۷۱؛ Robertson, H., 1992; Dees, 2000; Maltha, 1976). در صورتی که نتیجه‌گیری با دقت و مهارت تنظیم گردد، از طریق استحکام بخشیدن به مطالب عرضه شده قبلی، بر کیفیت مقاله





## مقاله نوشتن: مبانی اجزا و ساختار

یک اثر به وسیله نویسنده آن توصیه می کند:

- آیا تعداد شواهد برای نتیجه گیری در هر مورد کافی است؟
- آیا شواهدی که ممکن است از اعتبار تحقیق یا نتیجه گیری مقاله بکاهد، حذف شده اند؟
- آیا توالی زمانی بین عناصر و پدیده ها به جای رابطه علت و معلولی در نظر نگرفته نشده است؟
- آیا پیشداوریها و گرایشهای شخصی پژوهشگر سبب نشده است که ارتباط جنبه ای از یک موضوع با سایر جنبه ها گسسته شود (همان، پیشین)؟

یک جزوه درسی<sup>۴۶</sup> حصول اطمینان از بازنگری مقاله را (هم در مورد سر فصلها و عنوانها و هم در مورد متن) از طریق کنترل موارد زیر مناسب می داند:

- آیا مفاهیم یا موضوعهای متناقضی در مقاله وجود ندارد؟
- آیا بحثها در روال منطقی و بهم پیوسته ای ادامه یافته است؟
- آیا وقفه ای در زنجیره استدلالها به چشم نمی خورد؟
- آیا هنوز اصطلاحی وجود دارد که به خوبی توضیح داده نشده باشد؟

در این مرحله تمام بند (پاراگراف)ها باید یک به یک خوانده شود تا اطمینان حاصل شود که بندها بیش از اندازه فشرده و مختصر یا بیش از حد طولانی نیستند و در صورت وجود چنین کاستی هایی نسبت به تفکیک یا ادغام آنها با بند (پاراگراف)های پس و پیش از آن اقدام نمود (Dees, 2000). باید مطمئن شد همه بندها، دارای جمله اصلی (موصوف در بخش سوم، حسابرس، شماره ۳۴، صفحه ۸۱) است، طول جمله ها کوتاه و از کلمات ساده استفاده شده است (حری، ۱۳۷۱) و سرانجام اینکه مقاله به روانی و آسانی قابل مطالعه است. بدین منظور توصیه می شود مقاله یکبار با صدای بلند خوانده شود تا نارسایی های نوشتاری آن آشکار گردد<sup>۴۸</sup>. در صورتی که برخی واژه ها به دفعات در مقاله تکرار شده باید واژه های متفاوت هم معنی در جهت پیشگیری از ملال خواننده جایگزین آنها نمود. مقاله را باید بارها خواند و تصحیح کرد تا از نبود اشکالات جزئی و تحریر نادرست کلمات و مانند آن اطمینان حاصل نمود (Dees, 2000). اصلاح اشتباهات چاپی آخرین مرحله بازنویسی مقاله است<sup>۴۸</sup>.



### باز نویسی

بازنگری و بازنویسی<sup>۵۰</sup> مقاله با هم پیوند دارند. منتها در بازنویسی بیشتر «شیوه تنظیم متن بحث و بررسی (بدنه) مقاله» و «طرز نوشتن (نگارش) آن» مورد بازبینی قرار می گیرد، در حالی که بازنگری اندیشیدن دیگر بار به متن است در راستای استحکام و وضوح بیشتر آن؛ بازنویسی از تغییر برخی کلمات و واژه ها و اصطلاحها



## پانوشتهها:

- 34- The end
- 35- Document Systems
- 36- Thesaurus
- 37- Index
- 38- Thesis Statement
- 39- Theoretical
- 40- Theorizing
- 41- Conclusion
- 42- Graduate Guidelines for Sociology (based on OCGR Revisions), Prepared by Wallace Clement, Graduate Co-ordinator for Sociology, Carleton University, Ottawa, June 1999
- 43- Conclusion/Ending
- 44- Intuitive
- 45- Thesis Statement
- 46- Summary
- 47- Revision/Editing
- 48- Essay on How to Write an Essay, A Course Guideline for Sociology, Carleton University, Ottawa
- 49- Dogmatic
- 50- Rewriting

۱- موضوع این مقاله در زمره علائق پیوسته مطالعاتی و تجربی نگارنده نیست. انگیزه عرضه آن مشارکت با دیگران در مستند ساختن تجربه مقاله نویسی است، از طریق در میان نهادن یافته‌هایی که نگارنده در این زمینه از راه تجربه یا مطالعه، به مرور به آن دست یافته است.

۲- از میان برابریهای متعددی که برای Thesis وضع و بکار برده شده است، «نظریه» را برگزیده‌ایم. در حالی که به استناد فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی، گردآوری و تدوین برنجیان، ماری (از انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی) معادلهای دیگری مانند «بر نهاد» را شیروانلو، فیروز در ضرورت هنر (۱۳۵۰)، «وضع» یا «نهاد» را عنایت، حمید در فلسفه هگل (۱۳۴۷)، «حکم قضیه» را آرام، احمد در فقر تاریخیگری (۱۳۵۰)، «تذکره» را دریابندری، نجف در فلسفه غرب (۱۳۴۸)، «اصل» را زریاب خوبی، عباس در تاریخ فلسفه (۱۳۳۶)، «نهاد» را یزرگمهر، منوچهر در کانت (۱۳۶۰)، «قضیه اصل» را فولادوند، عزت‌الله در فلسفه کانت (۱۳۶۷)، «نظر» را آشوری، داریوش در فرهنگ علوم انسانی (۱۳۷۴) و برهان منش، محمد در اقتصاد آموزش (۱۳۵۱) بکار برده‌اند. در عین حال دیگران «نظریه» را در برابر Theory هم قرار داده‌اند (آریانپور، امیرحسین در زمینه جامعه‌شناسی؛ دریابندری، نجف در فلسفه غرب؛ آذرنگ، عبدالحسین در فلسفه غرب و...) و رواج نسبی یافته است که برخی از افراد این گروه در مواردی هم «نظریه» را در برابر Thesis بکار برده‌اند از جمله، دریابندری، نجف در فلسفه غرب. البته وجود این تفاوتها در اغلب موارد دلائل روش شناختی دارد و معطوف است به موضوع علائق مطالعاتی پژوهشگران نامبرده. منبع مورد استناد ما در این مقاله برای برگزیدن «نظریه» به عنوان معادل برای Thesis فرهنگ معاصر هزاره انگلیسی - فارسی تألیف علی محمد حق شناس و دیگران (از انتشارات فرهنگ معاصر، ۱۳۸۰) است که فرهنگی است متأخر، عمومی و مولف آن زبان‌شناس و فرهنگ نویس است.

## منابع:

- حری، عباس، آیین گزارش نویسی، تهران: دبیرخانه هیئت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور، ۱۳۷۱
- صلحجو، علی، پژوهش و نگارش: راهنمای نوشتن مقاله، رساله و کتاب تحقیقی، تهران: موسسه انتشارات آگاه، ۱۳۶۸
- قائد، محمد، دفتر چه خاطرات و فراموشی و مقالات دیگر، دیپاچه به قلم بابک احمدی، تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۸۰، صص ۷-۱۶
- Ballenger, B., *The Curious Researcher: A Guide to Writing Research Papers* (2<sup>nd</sup> ed.), Allyn and Bacon, USA, 1998
- Dees, R., *Writing The Modern Research Paper* (3<sup>rd</sup> ed.), Allyn and Bacon, USA, 2000
- Hashimoto, I.Y., Kroll, B. M. and Schafer, J. C., *Strategies for Academic Writing: A Guide for College Students*, Ann Arbor, The University of Michigan Press, 1982
- Maltha, D. J., *Technical Literature Search and the Written Report*, Pitman Publishing, London, 1976
- Norman, C., *Writing Essays: A Short Guide* (2<sup>nd</sup> Ed.), Department of English Queen's University at Kingston, Ontario, 1987
- Robertson, H., *English Essay: A Guide to Essays and Papers*, McGraw – Hill Ryerson Limited, Canada, 1992
- Gibaldi, J., *MLA Handbook for Writers of Research Papers*, 6<sup>th</sup> ed., The Modern Language Association of America (MLAA), New York, 2003
- Lester, J.D., *Writing Research Papers: A Complete Guide*, Longman, USA, 1998b

## سایر منابع: جزوه‌های درسی

- Graduate Guidelines for Sociology (Based on OCGR Revisions), Prepared by Wallace Clement, Graduate Co-ordinator for Sociology, Carleton University, Ottawa, June 1999
- Essay on How to Write an Essay, A Course Guideline for Sociology, Carleton University, Ottawa

## 3- Idea

۴- Tone معادل «نواخت» نیز، همپای «لحن» در برابر Tone به کار رفته است. مالحن را واژه‌ای آشنا و ملموس تر یافته‌ایم.

## 5- Michel Eyquem de Montaigne(1533-92),Essais

## 6- Francis Bacon(1561-1626)

۷- برگرفته از یک رهنمود آموزشی دانشگاهی: Essay on How to Write an Essay

۸- در کتاب Crows, F., *The Random House Handbook*, 2<sup>nd</sup> ed., New York, Random, 1977

۹- «رساله» را بنا به توضیحاتی که در مقاله عرضه کرده‌ایم، هم معنای «مقاله» گرفته‌ایم. اگر سهوی در این زمینه مرتکب شده‌ایم، مسئولیت آن را می‌پذیریم.

- 10- Descriptive
- 11- Narrative
- 12- Expositive
- 13- Argumentative

۱۴- Truth، تقریباً با تقدم نسبی اغلب «حقیقت» را در برابر Truth پیشنهاد کرده‌اند. در حالی که در اغلب موارد در متونی که نزدیکی بیشتری با بحث این مقاله دارد، به طور معمول «حقیقت» را با «واقعیت» همسان در نظر گرفته‌اند.

- 16- Objective
- 17- Intuitive
- 18- Impulsive
- 19- Documentary
- 20- Completeness
- 21- Essentiality
- 22- Impersonal
- 23- Title
- 24- Abstract
- 25- Introduction
- 26- Method
- 27- Result
- 28- Discussion
- 29- Starndard Format
- 30- Inroductory Statement
- 31- Body
- 32- The beginning
- 33- The middle